

دانشگاه تهران

دانشکده علوم تربیتی

رشته کتابداری

پایان نامه

برای دریافت درجه فوق لیسانس

موضوع:

تعمیر و نگهداری

استاد راهنما

جناب آقای یحیی دوستدار

تعمیر و نگهداری

میراث فرهنگی

۱۳۵۳ - ۱۳۵۲

XXXXXX

با

به گمان خودتیم این کارها را بر سر از آنجا که...

و این نشان های است که...

یونان است.

xxxxxx

فهرست مطالب

پیشگفتار (۱)

مقدمه (۲)

فصل اول : تاریخچهٔ «سازمان مؤلفان ایران» (۶)

فصل دوم : تاریخچهٔ «سازمان مؤلفان ایران» (۱۷)

فصل سوم : تراژدی های بین المللی «سازمان مؤلفان» (۴۱)

فصل چهارم :

تاریخچهٔ «سازمان مؤلفان ایران» (۳۸)

مرکز اطلاعات بین المللی «سازمان مؤلفان ایران» (۵۸)

نتیجه و پیشنهاد ، ضرورت قانون «سازمان مؤلفان ایران» (۶۴)

ضمیمه :

لیست نام کشورهای عضو سازمان بین (۶۵)

جدول نام کشورهای آسیای جنوبی سازمان بین المللی (۶۶)

جدول نام کشورهای اروپای مرکزی سازمان بین المللی (۶۷)

جدول نام کشورهای آمریکای جنوبی سازمان بین المللی (۶۸)

فصل از جمله در مورد آثار و مؤلفان و تصنیفات و مؤلفان و تصنیفات

مؤلف تصنیف می نامیم.

مؤلف طبیعیت پیدا تصنیف در بعضی کسی است که آثار و نوشته های دیگران

را در مجموعه ای گرد آوردی می کند مانند تهیه کنندگان مجموعه های اشیاء یا

قوانین و کلی مصنف کسی را گویند که به اثر علمی یا ادبی از خود پیوسته

می آورد و کار او در واقع ایشکاری است مانند پدید آورندگان زبانها و آثار فلسفی

اصیل.

کلمه عامی که هم مؤلف و مصنف و هم مترجم را در بر می گیرد کلمه

"پدید آورنده" است که در قانون ۱۳۴۱ ایران بکار رفته و تصنیف شمسده

است (ماده ۱) و در این قانون کلمه پدید آورنده معادل اصطلاح

فرانسوی *Auteur* و اصطلاح انگلیسی *Author* استعمال شده است.

۱. حسین صفائی، مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق

مؤلفان و مصنفان و مترجمان، تهران، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

شماره ششم، (تابستان ۱۳۵۰) صفحه ۳۶

در انگلیسی اصطلاح Copyright همانند آن است که از معنی

آن می توان برداشت نمود. عبارتست از حقی که قانوناً به نویسنده داده می شود

تا بتواند از آن برای تکثیر یا توزیع و یا سایر مقاصد این قانون حق در دست است که

اثر را برای ترجمه، تلخیص، تبدیل و اقتباس به شخص دیگری بفروشد.

حال اگر شخص دیگری خواست از این قانون به نفع خود استفاده

نماید و بدون کسب اجازه قبلی از نویسنده اصلی دست به فروش، تکثیر،

ترجمه و یا تبدیل اثر به فرم دیگر اقدام بنماید قانوناً باید مجازات گردد.

پس بر طبق قانون نقل پیدا آورنده اثر باید از مزایای آن استفاده

نماید. در اینجا قانون حق مؤلف باید به آورنده عبارت می شود از:

" حق بهره برداری از اثر ادبی یا علمی یا علمی و جز آن که مطابق قانون

به مؤلف (ایجاد کننده اثر) داده می شود".^۱

در اینجا لازم است به تعریف اصطلاحی رسید آورنده نیز اشاره

نمایم.

۰۲ اینج اشاره کتابداری نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه

تهران، دفتر سوم، تهران (۱۳۴۹) صفحه ۲۹

" هرگز که در زمین" اثر طوسی و آذین و سنوری و احم از نوشتن و

شعرا و آهنگ موسیقی و تصویرسازی و نمایشنامه و سناریو و غیره اشهر

ابتکاری به وجود آورد مؤلف نام دارد".

هرگاه اثر به شکل دیگری منتشر شود مانند ترجمه اقتباس و

تبدیل اثر به اثر دیگر یا زحم این " اثر ثانوی" مورد حمایت قانون حق مؤلف

قرار می گیرد.

حقوق داران منطقت دنیا معتقدند که حق مؤلف مانند بکسج حق

مالکیت است، بنابراین کسی که شخص می تواند در ملک خود در نوع دخل و تصرفی

بنماید، اثری را که ابداع نموده نیز می تواند تغییر داده به شکل دیگری

در آورد و یا آنکه آنها به فروتن برساند. در این مورد نظریات مخالفی وجود

دارد:

مالکیت به مفهومی که در حقوق رم داشته و هنوز مورد قبول بعضی

از کشورهاست دارای خصوصیاتش است که در حق مؤلف و غیره دیده نمی

شود.

۱. محمد مشیریان " لزوم حمایت حق مؤلف" ، راهنمای کتاب،

شماره های پنجم و ششم (مرداد و شهریور ۱۳۴۰) صفحات ۴۶۱ - ۴۶۶ .

اولاً ، مالکیت یکتا و منحصراً در حکم است ، بدین معنی که اصولاً در ایران
 ماه شا محدود و مشخص نیست و با سایر مالکیت‌ها یعنی حقوق و امتیازات اداری
 می‌باشد ، لیکن حق سواخت و هنرند موقت است و بعد از مدت معینی بهر صورت آری
 از اثر برای همگان آزاد می‌گردد .

ثانیاً ، مالکیت خلقی مالکین است ، بدین معنی که مالک اصولاً حسن
 همه گونه تصرف و انتفاع در زمان خود را دارد (ماده ۵۴۶ قانون مدنی
 فرانسه و ماده ۳۰ قانون مدنی ایران) در حالیکه حق مؤلف و هنرمند محدود
 است .

به طور کلی اثر برای انتشار بین مردم است و استفاده از آن بعد از

نشر نمی‌تواند منحصر به پدید آورنده باشد . از طرف دیگر مالکیت یک حق
 صرفاً مالی است در حالیکه حق مؤلف و هنرمند دارای دو جنبه است : یکی
 جنبه مالی و دیگری جنبه غیرمالی (معنوی) که مربوط به شخصیت پدید
 آورنده است و به عقیده بسیاری از علمای حقوق این جنبه بر جنبه مالی حق
 غالب است . حق معنوی پدید آورنده غیرقابل نقل و مرور زمان است .^۱

۲ . حسین صفایی ، "مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان

و مصنفان و هنرمندان" ، صفحه ۴۶ - ۴۷

نتیجتاً قانونی و اخلاقی و درست مساوی با انکیت نیستند و هر چند

می توانیم آنرا نیز مالکیت بدانیم ، چنانکه در قانون فرانسه آنرا مالکیت ادبی

و معنوی نامند و همین است که مؤلفان و مترجمان و هنرمندان بر اثر حقوق ادبی

فصل اول

تاریخچه حق مؤلف در اروپا

بعد از اختراع صنعت چاپ در اروپا حق مؤلف نویسنده‌گان صورت جدیدی توی
به خود گرفت . توسعه مسائل جدید تکثیر، ضبط صوت ، رادیو و تلویزیون ، تأثیر
و نمایش ، سینما ، در تدوین قانون حق مؤلف تأثیر نمود و حمایت هنرمندان را ضروری
بیشتر بخشید .

” در فرانسه به سال ۱۷۷۷ شورای سلطنتی به موجب حکمی ، امتیازات
و مزایایی برای نویسندگان تألیف شد و در سالهای بعد از آن فرمانها و احکام چندینی
تأیید از راه رایسرای وسیع قوانینی در این باره هموار نمود .

تدوین قانونی برای حق مؤلف ” از زمان انقلاب فرانسه یعنی در سال
۱۷۹۱ عملی گردید مخصوصاً ماده سوم این قانون به نویسندگان نمایشنامه ،
حق مالکیتی تفویض کرده و نمایندگان آنرا در زمان حیات نویسندگان در تمام خاک فرانسه
موکول به رعایت و بازه صریح آورده است . در این ماده پیش بینی شده است
که سرگانه نمایشنامه ای بدون اجازه نویسندگان اثر به معروض نمایش گذارده شود ،
همه عواید آن به نفع نویسندگان ضمیمه شود .

رساله ۱۷۹۱ هـ شامیه دکتر کیهیون در ورس

فرانسه هنگام دفاع از حقوق تألیف نوشته: "حکومت برترین و مشروعترین و آلاشسره
انحصاری و اختصاصی ترین مالکیتها را بر نویسندگان است که صرفاً فکر او است .
تصویب قانونی برای حق مؤلفان نشان می دهد که جامعه آنروز فرانسه معتقد به
این شده بود که نویسندگان ای گناز را بر خود حقوق اثری ایجاد می کند . صاحب آنست
و حقوق نسبت به آن ندارد که همان آن در مراجع اجتماع منظمی به عهد جامعه
است یعنی حکومت باید بر اولین قانون از حق او دفاع کند."^۱

در فرانسه برای اولین بار به جمله "مالکیت ادبی" برمی خوریم که

نویسندگان و ادیبان فرانسه آنرا به کار برده اند .

"لا مارشین گفته است که مالکیت ادبی مقدس ترین نوع مالکیت است .

و لوئی ناپلئون در سال ۱۸۴۴ در نامه ای نوشته: "اثر فکری ملکی مانند زمین

وخانه است و باید از همان حقوق برخوردار باشد" . و دیوان تمیز فرانسه نیز

در سال ۱۸۸۰ اعلام کرده است که : مالکیت ادبی و معنوی . . . دارای خصائص

انواع دیگر مالکیت است و باید همان سرنویس را داشته باشد"^۲ .

۱ . جمشید مفتاح . "حق مؤلف" سخن ، سال ۴ شماره ۱ ، (آذر ۱۳۳۱) صفحه ۵۶

۲ . حسین صفائی . "مالکیت ادبی و معنوی و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان
و مصنفان و هنرمندان" ، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، شماره
ششم ، (تابستان ۱۳۵۰) صفحه ۳۶

در روسیه قدیمترین قانون حق مؤلف مربوط به تاریخ ۱۸۱۲ است که حمایت آثار ادبی در آن به مدت ۱۰ سال بعد از مرگ مؤلف در نظر گرفته شده است.^۱ بعدها طبق قانون ۱۸۵۷ این مدت به ۲۰ سال بعد از مرگ مؤلف افزایش یافت.

اولین مقررات قانون برای حمایت حقوق مؤلف در روسیه شوروی بعد از انقلاب اکتبر تصویب نامه ۲۱ دسامبر ۱۹۱۷ است که به دولت اجسازده داد کتابهای درسی را منتشر کند و حقوق چاپ و انتشار آن در انحصار دولت باشد.

بعدها مالکیت آثار علمی، ادبی و هنری نیز در انحصار دولت درآمد. این تصویب نامه در سال ۱۹۱۹ باطل گردید و مقررات جدید در مربوط به اصول حق انحصاری چاپ، تکثیر و فروش آثار مؤلفان به وجود آمد.^۲ طی این مقررات ترجمه آثار مؤلفان آزاد شد. بنابراین تصویب قانون جدید ۱۹۶۱ مدت حمایت آثار ادبی و هنری در زمان حیات خالق آثار است و بعد از فوت او برای پانزده سال متعلق به وراث او می باشد.^۳

۱. مهدی نراقی، "تحول بزرگ در حمایت از مؤلفان و هنرمندان جهان". کیهان، شماره ۸۹۱۹، (فروردین ۱۳۵۲)، صفحه ۱۰.

مؤثری که در آن در این نوشته جایز است است الحاق دولت

شهریه کیوان سیرن بهر آنی زیرا در آن گد و سال ۱۹۷۳ انجام گرفته است

است.

تعمیرات قانون حق مؤلفان پاکستان به نمایندگان قانون مشابه آن

قانون حق مؤلفان پاکستان بیشتر به جنبه منفی این قانون

می پردازد و آن منع از تکثیر مواد در رشته ادبی و هنری است بدون اجازه

مؤلف آن.

مذاکر اصلی این قانون حمایت حق نویسنده یا هنرمند است در برابر

تکثیر غیرقانونی اثرش و فقط از تکثیر در اثر جلوگیری می کند، نه نشر و ایدهای

نه در آن اثر مشخ است.

قانون حق مؤلفان با قانون ثبت علائم صنعتی و تجاری در این

مورد متما یزاند. به در توان این نوع صنعتی و تجاری تمام حقوق

بدین بد آورنده آن داده می شود، یعنی اگر هنرمند بدون هیچ سابقه قبلی

طرحی داشته باشد، مؤلف او به وجود آورد، مؤلف طرح اول می تواند هنرمند

در امر مقرر خوانده و از در آن جلوگیری کند.

در حالی که در کاره آلیف اثر ثبت بشود که در هنرمند بدون هیچ سابقه

قبله دواثر كاملا متشابه بهرورد آورده اند نویسنده اول بدین حق نمی تواند

از نشر اثر نویسنده دوم جلوگیری بنماید.^۱

تاریخچه حق مؤلف در انگلستان

در حقیقت اختراع صنعت چاپ موضوع حق مؤلف را به وجود آورد.

ریچارد دوم پادشاه انگلستان نشر کتاب را تشویق کرده و اجازه ورود کتب را

از ممالک دیگر صادر نمود. ۵ سال بعد از این دوره ناشرین و صحافسان

به این امر اعتراض کردند، چه این امر شوق نویسندگی و ابداع را در داخل

انگلستان از بین می برد و طبیعتاً کار ناشرین و صحافسان نیز کمتر می شد.

بعدها که به شماره ناشرین اضافه گردید، پادشاه انگلستان تصمیم

گرفت حق نشر به این ناشرین بدهد، و اولین قانون حق مؤلف^۲ به صورت گوا

ناشرین یا "Printer's Licences" صادر گردید و سود هنگفتی نصیب پادشاه

و طرفدارانش نمود.^۲

1 James, F. E. Skone and James, E. P. Copyright and Skone James on Copyright. 10th ed. London, Sweet and Maxwell, 1965, p. 3.

2 Ibid., pp. 7-11.

اولین قانون رسمی حق مؤلف در سال ۱۷۰۹ تصویب گردید. طبقاً به

قانون تنها به مؤلفین حق استناد و از این کتاب داده شد. لحاظ با این

قانون ۱۴ سال بود. بعد از انقضای این مدت نویسنده می‌توانست ۱۴ سال

دیگر آن را تجدید نماید.

نام کتاب باید در مقدمه یا آخرین قسمت می‌گردد و ۹ جلد از کتاب نیز

به کتابخانه مخصوص فرستاده می‌شد.

در این موقع قانون Common Law لغو گردید و فقط منحصر به

کارهای منتشر نشده (نظیر کتب خطی و نامه ها) گردید.

در سال ۱۸۱۴ مدت حفاظت قانون حق مؤلف از ۱۴ سال به ۲۸ سال

از تاریخ اولین نشر تعیین گردید. اگر نویسنده بعد از این مدت ۲۸ سال

به زندگی ادامه می‌داد می‌توانست تا آخر عمرش از برکت این قانون استاده

بنماید.^۱

در سال ۱۸۴۲ تقریباً تمام قانون حق مؤلف انگلستان تجدید نظر گردید.

قانون ۱۸۴۲ بسیار کلی و به نام Domestic Copyright Law

معروف بود.

¹ Ibid, p. 12-13.